

توزیع کتاب از تولید آن سخت تر است

گزارشی از فعالیت ناشران شهرستانی کودک و نوجوان

○ نگار پدram

زمینه کودک و نوجوان چاپ کرده، درباره این انتشارات می‌گوید: «تاکنون برای نشر و توزیع کتاب‌هایمان مشکلی نداشته‌ایم. فقط قصد داشتیم از وام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استفاده کنیم که متوجه شدیم برخی از ناشران شهرستانی یک سال و نیم است در نوبت وام هستند و در آخر هم ممکن است به دست‌شان نرسد. بنابراین، اصلاً تقاضا نکردیم.»

محمدرضا بهروش، مدیر نشر آیین تربیت مشهد، بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب تألیفی، ترجمه و نمایش‌نامه در زمینه کودک و نوجوان چاپ کرده است. وی با بیان این‌که در مشهد، تصویرگری و کیفیت چاپ کتاب‌ها پایین است، درباره مشکلات نشر در مشهد، چنین می‌گوید: «در پخش کم‌تر موفق هستیم و کتاب‌های تولید شده ما با تأخیر پخش می‌شود. مگر آن‌که آموزش و پرورش، کتاب‌های ما را پخش کند. در مجموع، می‌خواهم که نویسنده فقط دغدغه نوشتن داشته باشد و ناشر کتابش را به درستی چاپ و سیستم توزیع

در کتاب فهرست ناشران که خانه کتاب، در سال ۱۳۸۱ چاپ کرده است، ۷۷ ناشر شهرستانی علاوه بر چاپ کتاب در زمینه‌های مختلف، کتاب‌هایی در زمینه کودک و نوجوان نیز چاپ کرده‌اند که ۲۵/۹ درصد این ناشران در قم، ۱۵/۲۸ درصد آن‌ها در مشهد، ۱۲/۹۸ درصد در اصفهان، ۱۰/۳ درصد در تبریز و ۱۲/۹۸ درصد در شیراز فعالیت دارند. هم‌چنین ۲۲ درصد از ناشران شهرستانی در شهرهای گرگان، ارومیه، قزوین، کرمان، بوشهر، مهاباد، رشت، یاسوج، کرج، سمنجان، زیراب، شهرکرد، ایلام، زاهدان و کرمانشاه به چاپ کتاب مشغولند.

این در حالی است که بسیاری از این ناشران، فقط یک کتاب در زمینه کودک و نوجوان چاپ کرده و حتی برخی از آن‌ها معتقدند که به طور اتفاقی کتاب مناسب گروه سنی کودک و نوجوان، برای چاپ به دست‌شان رسیده است.

آذر آذری، مدیر نشر آیین اندیشه مشهد که بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب در



این ناشر که کتاب‌فروشی نیز دارد، استقبال بچه‌ها از کتاب‌های مذهبی را بیشتر از کتاب‌های غیرمذهبی توصیف می‌کند: «برخی از ناشران به علت عدم اطمینان به فروش کتاب به ویژه برای نویسندگان گمنام قرارداد چاپ کتاب را یک‌جانبه منعقد می‌کنند و یا پرداخت حق تألیف پدید آورنده را تا فروش کامل اثر به تعویق می‌اندازند.»

عباس صیدی، مدیر نشر برگ آذین ایلام، یکی از سه ناشر ایلامی است که در زمینه کتاب‌های کودکان و نوجوانان فعالیت دارد. صیدی که دو سال پیش یک کتاب برای کودکان در ۱۵ هزار جلد چاپ کرده است، می‌گوید: «حتی ۲ هزار جلد از تنها کتابی که برای کودکان چاپ کرده‌ام، فروش نرفته است. البته، دو کتاب در دست مجوز و یک کتاب دیگر نیز زیر چاپ دارم که با نویسنده آن‌ها قرارداد یک طرفه بسته‌ام و به هزینه خودشان کار می‌کنم. وی درباره مشکلات نشر در ایلام می‌گوید: «هر چه سعی کردیم، نتوانستیم با یکی از شبکه‌های توزیع در تهران ارتباط داشته باشیم و حتی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز درخواست کردیم که ما سه ناشر ایلامی را به یکی از شبکه‌های توزیع در تهران معرفی کند، ولی بی‌نتیجه بود.» اما مسئله پخش و توزیع کتاب برای ناشران شهرستانی که در تهران نیز دفتر فروش دارند، به گونه‌ای دیگر است.

مجتبی سجاد، مدیر نشر جنگل اصفهان که بیشتر کتاب‌های آن در خارج از ایران به فروش می‌رسد، می‌گوید: «برخی از کتاب‌فروش‌های خارجی، به تهران می‌آیند و از ما کتاب می‌خرند و یا عده‌ای کتاب‌های ما را همراه مسافر از ایران خارج می‌کنند. اما مشکلی که وجود دارد، مربوط به گمرک و حمل و نقل کتاب است. ظاهراً برای مسئولان گمرک ما صادرات کتاب جا نیفتاده است و آن‌ها در زمینه خروج کتاب از ایران سخت‌گیری می‌کنند و روی واردات کتاب نیز خیلی دقت نمی‌کنند.»

این ناشر یکی دیگر از مشکلات نشر را عدم اطلاع‌رسانی صحیح می‌داند و معتقد است: «خریداران از نشر کتاب چندان مطلع نیستند و اطلاع‌رسانی نشریات نیز تقریباً صفر است. به نظر من مشکل نشر در ایران کاغذ و گرانی کتاب و خواننده نیست، بلکه اطلاع‌رسانی ضعیف است؛ یعنی مردم نمی‌دانند چه کتاب‌هایی به تازگی چاپ شده است.»

وی ادامه می‌دهد: «چندی پیش ما سه هیأت ویزیت برای کل ایران داشتیم و مثلاً در گیلان و مازندران به مدت ۴۵ روز کتاب معرفی کردیم که فروش خوبی داشت و سعی می‌کنیم دایره فعالیت‌هایمان را گسترده و تیراژ و عناوین کتاب‌هایمان را بیشتر و بهتر کنیم که فکر می‌کنم ناشران دیگر چنین شرایطی نداشته باشند.»

سجاد پیشنهاد می‌دهد: باید نمایشگاه‌های استانی را افزایش دهیم و در پی ایجاد مؤسسه‌های خصوصی باشیم که کتاب را در اختیار خواننده قرار



آن را پخش کند؛ نه این‌که مؤلف ناشر باشد و ناشر کتاب پخش کند. همین وضعیتی که الان شاهد هستیم.»

سید محمدحسین امامزاده‌ای، مدیر نشر «امامزاده‌ای» شیراز، معتقد است: «وقتی بخشی‌های تهران متوجه می‌شوند که ناشر، شهرستانی است؛ پخش کتاب‌های آن‌ها را به عهده نمی‌گیرند. شاید نمی‌خواهند ناشر شهرستانی پیشرفت کند و شاید هم ما به دنبال حق و حقوق خودمان نیستیم.» وی می‌افزاید: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سهمیه کاغذ را به عهده تعاونی استان گذاشته است و به ناشر کاغذ نمی‌دهد و متأسفانه، تعاونی هم سلیقه‌ای عمل می‌کند.»

امامزاده‌ای یکی از مشکلات نشر کتاب در شیراز را تصویرگری کتاب می‌داند و می‌گوید: «تصویرگر با تجربه و حرفه‌ای در شیراز نداریم و متأسفانه، کیفیت تصویرگری کتاب‌ها پایین است و بالطبع، ظاهر کتاب‌ها چندان جذاب نیست و نمی‌تواند توجه بچه‌ها را جلب کند.»

این ناشر که کتاب‌فروشی نیز دارد، درباره استقبال مردم از کتاب می‌گوید: «پدر من حدود ۵۰ سال است در زمینه تعلیم و تربیت کودکان فعالیت دارد و در شیراز شناخته شده است. ما هم چون بیشتر کتاب‌هایی را که ایشان می‌نویسند، منتشر می‌کنیم، استقبال بچه‌ها و والدین خوب است. البته، کتاب‌های چاپ تهران را هم می‌فروشیم که استقبال بد نیست.»

غلامرضا آشتیانی، مدیر نشر آشنای اصفهان، مهم‌ترین مشکل نشر شهرستان را توزیع کتاب می‌داند اظهار می‌دارد: «مشکل اصلی ما فروش کتاب است. تعاونی ناشران اصفهان، توزیع را برعهده دارد و کتاب‌ها را در نمایشگاه تهران می‌فروشد. اما ما هم چنان مشکل داریم؛ چون کتاب‌هایمان را فقط به تعاونی می‌دهیم. البته، گاهی برای ناشران شهرهای دیگر نیز کتاب می‌فرستیم که متأسفانه پول آن برنمی‌گردد.»

محمد نوروزی، مدیر نشر پژواک اندیشه قم که تاکنون دو کتاب برای کودکان چاپ کرده است، می‌گوید: «ممکن است تولید کتاب در قم بیشتر از تهران باشد، اما چون مرکز توزیع در تهران است، ناشران شهرستانی برای توزیع کتاب‌هایشان دچار مشکل می‌شوند.»

دهند. منتظر ارشاد و دولت بودن، اشتباه است و تشکل صنفی ناشران باید خودش بتواند این مشکلات را برطرف کند.»

قدرت‌الله نیکبخت، مدیر نشر قوی شیراز که مجوز نشر آن در شیراز و دفتر پخش آن در تهران است و از سال ۷۳ تاکنون ۲۵ کتاب برای کودکان و نوجوانان چاپ کرده، معتقد است: «پخش کتاب کودک، از پخش کتاب‌های بزرگسالان مشکل‌تر است. به ویژه آن‌که اخیراً مؤسسه منادی تربیت، به طور متمرکز کتاب می‌خرد و در مدارس پخش می‌کند. این کار قدرت انتخاب دانش‌آموز را کاهش می‌دهد و موجب ضرر ناشران می‌شود؛ چون این مؤسسه، در انتخاب کتاب سلیقه‌ای عمل می‌کند.»

قاسم بنی کمال، مدیر نشر صدیقی زاهدان که در تهران دفتر دارد و تنها یک کتاب ۵ جلدی به زبان عربی چاپ کرده است، می‌گوید: «این کتاب برای سال‌های اول ابتدایی است و چون در مدارس تدریس می‌شود، بچه‌ها مجبورند بخرند و در نتیجه، تاکنون فروش خوبی داشته است.»

مسعود ودیعی‌زاده، مدیر نشر ودیعت کرمان که می‌گوید: «از سال ۸۱ حدود ۵ کتاب برای بچه‌ها چاپ کرده‌ایم و هر چند وقت یک‌بار، کتاب‌های مان را به مدارس می‌فرستیم. توزیع کتاب در کرمان سخت است و ما ناچاریم با مدارس برای عرضه کتاب هماهنگی کنیم.»

حسین مافی، مدیر نشر سایه‌گستر قزوین که از سال ۱۳۷۸ تاکنون ۵۵ عنوان کتاب برای کودکان و هفت عنوان ویژه نوجوانان چاپ کرده است، درباره مشکلات انتشاراتش می‌گوید: «در مجموع همه ناشران شهرستانی مشکل پخش کتاب دارند؛ چون کتاب‌های‌شان مثل ناشران تهرانی، در معرض فروش قرار نمی‌گیرد. از طرفی، فرستادن کتاب به شهرستان گران تمام می‌شود. مثلاً ما که در قزوین هستیم، مجبوریم کتاب‌های مان را از تهران به شهرهای دیگر بفرستیم.»

این ناشر درباره بازار بین‌المللی کتاب، اظهار می‌دارد: «تا زمانی که مشکل کپی‌رایت در ایران حل نشود، نمی‌توانیم کتاب‌های مان را به راحتی و بدون دردسر به خارج از ایران ارسال کنیم. البته، ما به فروش کتاب‌های مان در خارج از ایران فکر می‌کنیم، ولی به دلیل مشکلاتی که وجود دارد، هنوز نتوانسته‌ایم برای آثارمان ناشر خارجی پیدا کنیم.»

محمدرضا وحیدی
نژاد، مدیر نشر
تحول آفرین قم که با دو مرکز پخش در تهران و قم همکاری دارد، می‌گوید: تاکنون فروش انتشارات ما زیاد خوب نبوده است. باید وزارت ارشاد توزیع کتاب را به عهده بگیرد؛ چون آن‌هایی که روند توزیع کتاب‌شان صحیح است نیز خیلی کند پیش می‌روند و کتاب‌های‌شان دیر فروش می‌رود.

سید محمد جعفر
فضایی، مدیر نشر

امیدواران شیراز، درباره نحوه پخش کتاب‌هایش می‌گوید: «ما فهرست کتاب‌های مان را به شهرستان‌ها می‌فرستیم و آن‌ها هر کتابی که بخواهند، سفارش می‌دهند. در هر صورت، هزینه‌های چاپ کتاب‌های مان دیر یا زود برمی‌گردد.»

علی محمدی، مدیر نشر تخت‌جمشید شیراز که کتاب‌هایش را در درمانگاه‌ها، مدارس و بیمارستان‌ها پخش می‌کند، می‌گوید: در تابستان غرفه‌هایی را در اماکن دیدنی و تفریحگاهی دایر می‌کنیم و کتاب‌های مان را می‌فروشیم.»

محمود احمدی، مدیر نشر مسعود سندج که چند کتاب خودآموز قرآن و نماز چاپ کرده، می‌گوید: «کتاب‌های ما به زبان کردی است و چون کردستان منطقه فقیرنشینی است، خرید کتاب برای خانواده‌ها جا نیفتاده است؛ کتاب برای بچه‌های این جا خیلی گران است.»

احمد وفاجو، مدیر نشر وفاجوی تبریز است. او از سال ۷۴، چند کتاب رنگ‌آمیزی و مدل نقاشی چاپ کرده و آن‌ها را برای فروش به تهران، مشهد و اصفهان فرستاده است. وفاجو استقبال بچه‌ها از کتاب‌های ترکی را کم و استقبال از کتاب‌های فارسی را نسبتاً خوب توصیف می‌کند.

سیدحسن مجازی، مدیر نشر قرین مشهد که دو کتاب نقاشی چاپ کرده است و ۲ کتاب نیز زیر چاپ دارد، درباره انتشاراتش توضیح می‌دهد: «ما به جز کتاب کودک، کتاب‌های آموزشی نیز چاپ می‌کنیم، اما برای پخش آن‌ها در تهران، با مشکل مواجهیم پخش‌های تهرانی پخش کتاب ناشران شهرستانی را با درصد بالا می‌پذیرند و ناشر و مرکز پخش یکدیگر را نمی‌شناسند و نمی‌توانند به هم اعتماد کنند. از طرفی، چون برای پخش کتاب تعریف خاصی نداریم، هرکس در هر شهری آن را به گونه‌ای تعریف می‌کند.»

علی حاجی عبدالمجید، مدیر نشر راضیه کرج، با بیان این که پدر و مادرها برای بچه‌های‌شان کتاب انتخاب می‌کنند، می‌گوید: «کتاب‌هایی که زرق و برق داشته باشد، فروش بیشتری دارد و ما هم تقریباً چنین کتاب‌هایی چاپ



می‌کنیم. کتاب‌های هنری و ادبی را نه بچه‌ها دوست دارند و نه پدر و مادرها می‌خرند.»

محمد نظام الدین، مدیر داخلی و قائم مقام انتشارات مهرقائم اصفهان، عقیده دارد: «توزیع کتاب از تولید کتاب سخت‌تر است؛ به ویژه برای ناشران شهرستانی. مراکز پخش تهران مثل قلعه‌هایی هستند که کسی را در آن راه نمی‌دهند و تنها با ناشران تهرانی کار می‌کنند.»

وی می‌افزاید: «تاکنون تعاونی ناشران اصفهان در امر توزیع پیش‌قدم بوده، اما موفقیتی نداشته است. از طرفی، چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتاب‌های ما را نمی‌خرد و ما مجبوریم همیشه با سرمایه اصلی خودمان کتاب چاپ کنیم.»

مینو مروارید، مدیر نشر گل آفتاب مشهد، استفاده از وام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را بسیار مفید می‌داند و درباره استقبال از کتاب می‌گوید: «اگر ما تیراژ کتاب‌های مان را بیشتر کنیم، قیمت کتاب پایین می‌آید و در نتیجه، فروش بیشتری خواهیم داشت و برعکس، اگر تیراژ کمی داشته باشیم، مجبوریم قیمت کتاب‌ها را اضافه کنیم که در این صورت، کتاب در دسترس مردم قرار نمی‌گیرد و عاقبت متوجه نخواهیم شد که آیا کتاب خوبی چاپ کرده‌ایم یا خیر.»

وی درباره انتشاراتی تحت مدیریت خود می‌گوید: «ما با چند مرکز پخش تهران کار می‌کنیم و کتاب‌های آن‌ها را برای فروش در مشهد می‌گیریم و کتاب‌های خودمان را برای فروش در تهران به آن‌ها می‌دهیم و به همین دلیل، تاکنون مشکلی از نظر پخش کتاب‌های مان نداشته‌ایم.»

علیرضا مروی مهاجر، مدیر نشر جلیل مشهد که تاکنون ۳۰ عنوان کتاب کودک و نوجوان چاپ کرده، معتقد است: «اغلب ناشران از پخش کتاب ناراضی هستند؛ چون نبودن سیستم توزیع مناسب، تولید کتاب را کم می‌کند. اگر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا سازمان‌ها و موسسات خصوصی یک سیستم توزیع راه‌اندازی کنند، تولید کتاب، تیراژ و فروش آن افزایش خواهد داشت.»

زهره ستاری وفايي، مدیر نشر زینب تبریز که بخشی از دفتر انتشارات خود را به فروش کتاب اختصاص داده است، می‌گوید: «ما به زبان ترکی برای بچه‌ها کتاب چاپ می‌کنیم و چون بچه‌ها در مدارس فارسی می‌خوانند، والدین ترجیح می‌دهند که کتاب‌های غیردرسی فرزندان‌شان به زبان ترکی باشد. با وجود این، بچه‌ها دوست ندارند آذری بخوانند؛ چون فکر می‌کنند از فارسی مشکل‌تر است.»

وی عقیده دارد: «مشکل ناشران، سرمایه اولیه برای چاپ کتاب است و ناشر باید یا سرمایه جدیدی را به نشر کتاب‌های دیگر اختصاص دهد و یا از

درآمد فروش کتاب‌های قبلی استفاده کند که زمان زیادی لازم است تا کتاب‌های چاپ شده قبلی، به فروش برسد.»

عزیزالله هاشمی، مدیر نشر عصمت قم که فقط یک قصه برای کودکان چاپ کرده است و در مجموع بیشتر کتاب‌های مذهبی منتشر می‌کند، می‌گوید: «درخواست چاپ کتاب‌های مذهبی برای کودکان زیاد است و مشتری کتاب‌های مذهبی بزرگسالان کم.»

مریم حسین زاده، مدیر فروش مرکز پخش آثار، با بیان این که مرکز پخش آثار کم‌تر با ناشران شهرستانی کار می‌کند، درباره عدم پخش کتاب‌های چاپ شهرستان می‌گوید: «در تهران بلافاصله وقتی کتابی چاپ شد، به دست ما می‌رسد، اما کتاب‌های چاپ شهرستان، به دلیل دوری از تهران، دیرتر به مراکز پخش فرستاده می‌شود. البته، ممکن است ناشران شهرستانی در شهر خودشان فعالیت زیادی داشته باشند.»

وی می‌افزاید: «کیفیت کتاب‌های شهرستانی پایین است و یا تبلیغ مناسبی ندارند که کتاب‌های‌شان به دست ما نمی‌رسد و ما هم چون در بازار برای کتاب‌های آنها تقاضا نداریم، از آن‌ها نمی‌خواهیم که پخش کتاب‌های‌شان را به ما بدهند.»

مهرداد ابرومندی نیز یک سال است که کار پخش کتاب را آغاز کرده و پیش از آن نیز در مرکز پخش آثار فعالیت داشته است. وی قصد دارد در سال جاری، با ناشران شهرستانی نیز ارتباط برقرار کند و پخش کتاب‌های آن‌ها را برعهده بگیرد.

مشکلات چند ناشر شهرستانی دیگر را هم پرسیدیم، اما چون نظر آن‌ها شبیه نظر سایر ناشران بود، از تکرار آن صرف‌نظر کردیم. مسئله دیگری که وجود داشت، این بود که برخی از ناشران شهرستانی، حتی قادر به برقراری ساده‌ترین ارتباط تلفنی و یا طرح پیشنهادی برای حل مشکلات‌شان نبودند! از طرفی، ناشران بسیاری نشریه کتاب ماه را نمی‌شناختند و برای‌شان مهم نبود که حرف‌های‌شان در کدام نشریه به چاپ خواهد رسید. اکثر آن‌ها نمی‌دانستند که راهنمای ناشران چاپ شده است و اساساً از چاپ چند ساله این کتاب بی‌اطلاع بودند. در دوره‌ای که انجمن‌ها و تشکل‌ها در تهران به فکر نشر کتاب‌های ایرانی در خارج از کشورند، ناشران شهرستانی، فقط به دنبال پخش کتاب‌های‌شان در تهران هستند و اصلاً با نشر بین‌المللی و راه‌های برقراری ارتباط با ناشران خارجی آشنا نیستند.

